

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ضمیمہ ی مستندات بیانات حجت الإسلام «حامد کاشانی»

در برنامه ی «سمت خدا»

۱۸ آبان ۱۳۹۸

مطالب این بسته‌ی مستندات، مشتمل بر موضوعات زیر می‌باشد:

۱. ادب اختلاف (مشتمل بر نمونه‌هایی از احترامات متقابل بین علمای علمای شیعه و سنی)
۲. تمجید شیخ بهایی از بیضاوی و تفسیرش
۳. پاسخ شیخ الشریعه اصفهانی به شکایت یکی از شیعیان بخارا
۴. خطابه شیخ عبدالحسین رشتی در خصوص اتحاد مسلمین

نکته: انتشار این مطالب صرفاً جهت تبیین این است که بحث اتحاد مسلمین و احترام متقابل، منحصر در این دهه‌های اخیر نیست، و به معنای تأیید همه‌ی محتوای آن نمی‌باشد.

ادب احشلاف

قدر زر، زر گر شناسد!

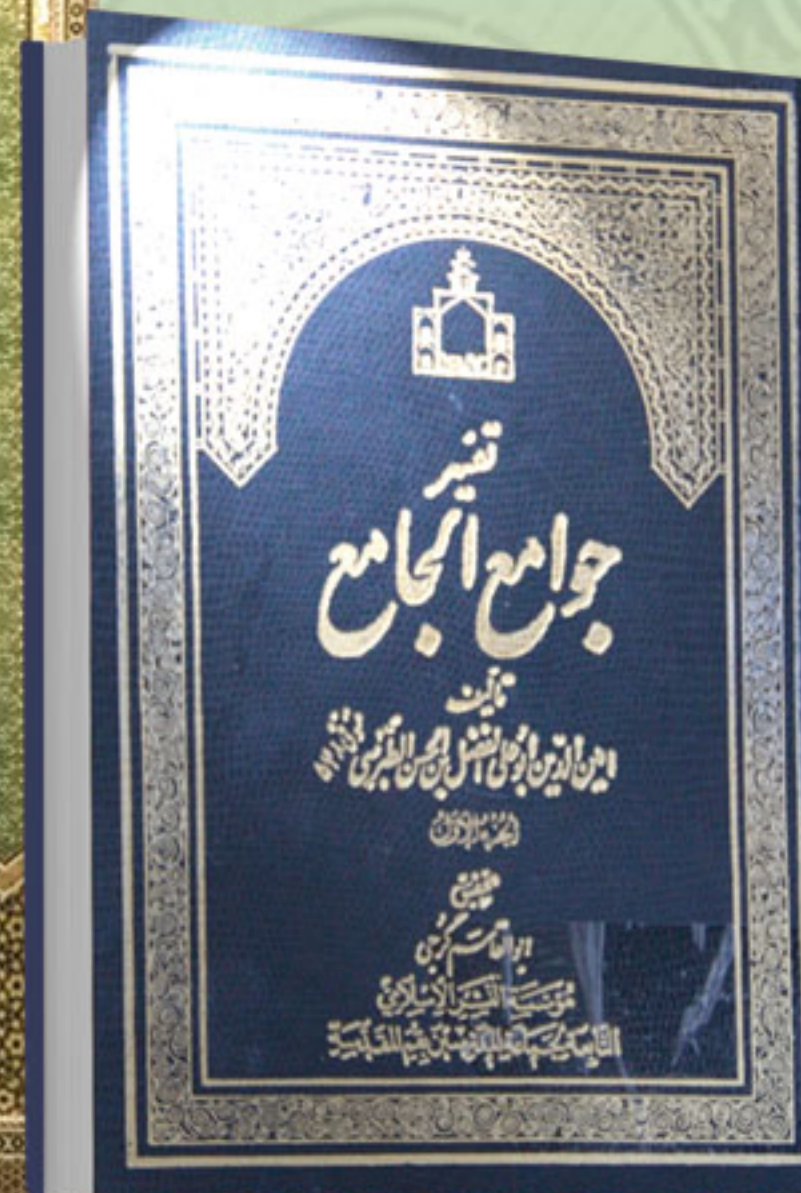
پس از نگارش مجمع البیان که جهان اسلام را شگفت زده کرد، تفسیر کشاف زمخشری به دست طبرسی، مفسیر کبیر رسید. این عالم شیعه دو تفسیر دیگر، تلخیص کشاف و جوامع الجامع را نوشت و علت را اینگونه توصیف کرد: یکی از انگیزه های من برای این دو تفسیر این بود که می خواستم از لطائف کلام علامه زمخشری، مجاور بیت الله یاری طلبم، زیرا تفسیر او مشحون از نوآوری، نکات و مسائل دقیق با عباراتی موجز و اشاراتی معجز می باشد، که با حق و حقیقت مناسب و مطابق است.

مقدمة جوامع الجامع ۳

الناقل نقلها، وأكثر أبناء الزمان تقصّر همهم عن احتمال أعباء العلوم الثّقيلة والإجراهِ في حكاياته المديدة الطويلة، فاستعفيت من ذلك مرة بعد أخرى لما كنت أجد في نفسي من ضعف المنة ووهن القوة، فلقد ذُرفت على السبعين سنياً، وبلغت من الكِبَر عتياً، وصرت كالحنّية حنّياً، واشتعل الرأس شيباً، وقاربت شمس العمر مغبياً، فأبى إلا المراجعة فيه، والعود والاستشفاع بمن لم أستجز له الرّد فلم أجد بداً من صرف وجه الهمة إليه والإقبال بكلّ العزيمة عليه، وهممت أن أضع يدي فيه، ثم استخرت الله - تعالى وتقدس - في الابتداء منه بمجموع مجمع جامع للكلم الجوامع، أسمّيه كتاب "جوامع" الجامع، ولا شك أنه اسم وفق للمسمى وللفظ طبق للمعنى، وأرجو أن يكون بتوفيق الله وعونه وفيض فضله و منّه كتاباً وسيطاً خفيف الحجم، كثير الغنم، لا يصعب حمله، ويسهل حفظه، ويكثر مناه وإن قلّ لفظه، يروى موضوعه، ويروق مسموعه، ينظم وسائل القلائد، ويحوى بسائط الفوائد، ويستضيء العلماء بفرقه و درره، ويغفر الفضلاء إلى فقره، فيكتب على وجه الدهر ويعلق في كعبة المجد والفخر. ومما حدّثني إليه وحثنى ويعنني عليه، أن خطر ببالي وهجس بضميري، بل ألقى في روعي "محبة الاستعداد" من "كلام جابر الله العلامة" ولطائفه. فإن لألفاظه لذّة الجنة ورونق الحدائث مقتصرأ فيه على إيراد المعنى

جوامع الجامع 4

البحث، والإشارة إلى مواضع النكت بالعبارات الموجزة والإيماءات المعجزة، مما يناسب الحق والحقيقة، ويطابق الطريقة المستقيمة.

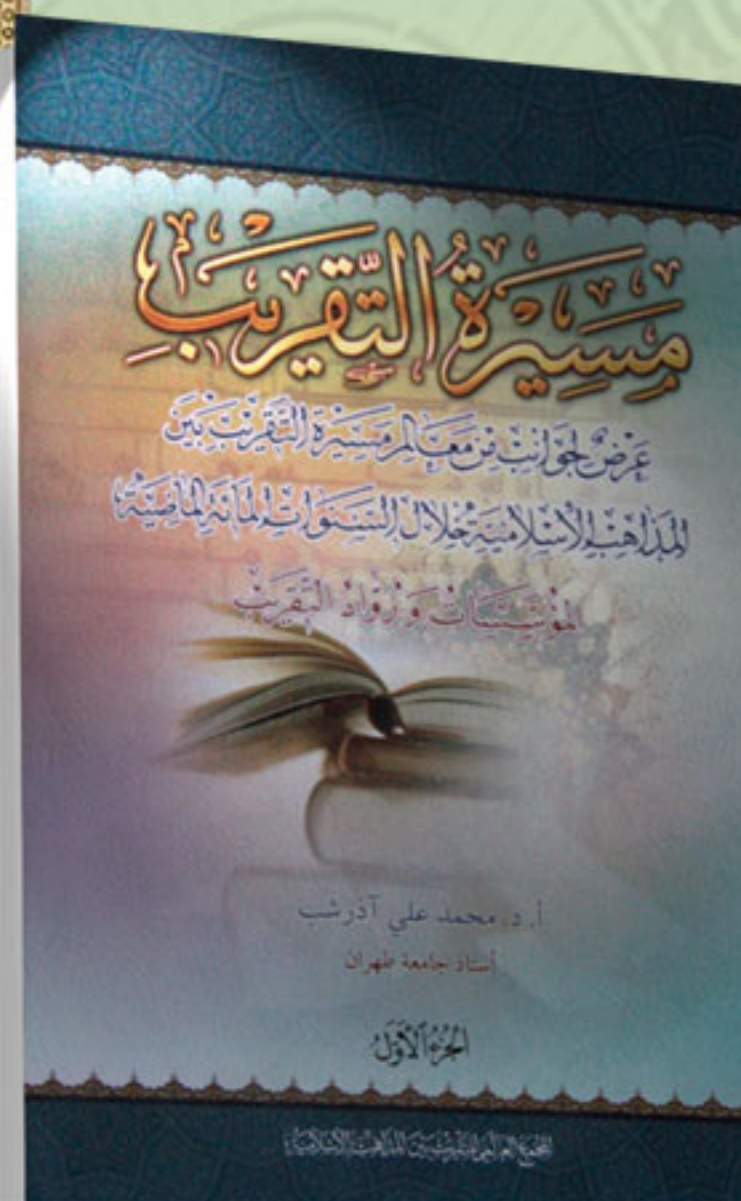


ادب احشلاف

عظمت مجمع البيان از نگاه شيخ أزهري!

شيخ الأزهري، عبدالمجيد سليم پس از مطالعه ي مجمع البيان مي نويسد:

بيشتر كتاب را خواندم و ديدم اين تفسير، حلال معضلات و كشاف مبهمات است و صاحب آن كه رحمت خدا بر او باد، داراي تفكري عميق، تدبري عظيم، علمي سرشار و اسلوبي قوي است؛ و براي آموزش و فهم مسلمين به شدت حريص مي باشد. انتشار اين تفسير جليل القدر قطعاً براي نويسنده و ناشر، باقيات صالحات محسوب مي گردد.



عبد المجيد سليم إلى دار التقريب
بشأن تفسير مجمع البيان^(١)

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه الهداة الراشدين.

أما بعد فإن كتاب مجمع البيان لعلوم القرآن الذي ألفه الشيخ العلامة ثقة الإسلام أبو علي الفضل بن الحسن بن الفضل الطبرسي من علماء القرن السادس الهجري، هو كتاب جليل الشأن غزير العلم كثير الفوائد، حسن الترتيب. لا أحسني مبالغة إذا قلت إنه في مقدمة كتب التفسير التي تعد مراجع لعلومه وبحوثه.

ولقد قرأت في هذا الكتاب كثيراً، ورجعت إليه في مواطن عدة، فوجدته حلالاً معضلات، كشاف مبهمات، ووجدت صاحبه (رحمه الله) عميق التفكير، عظيم التدبر، متمكناً من علمه، قوياً في أسلوبه وتعبيره، شديد الحرص على أن يجلي للناس كثيراً من المسائل التي يفيدهم علمها.

فإذا قامت اليوم جماعة التقريب بين المذاهب الإسلامية - ولي شرف المساهمة في تأسيسها وأعمالها - بإحياء هذا التفسير الجليل، فإنه لعمل من الباقيات الصالحات أمل أن يبيننا الله عليه، ويثيب كل معين على إقامته، ثواباً حسناً.

﴿وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلاً﴾.

القاهرة / ٤ من ذي القعدة سنة ١٣٧١ - ٢٦ من يوليو سنة ١٩٥٢

شيخ الجامع الأزهر ووكيل جماعة التقريب بين المذاهب الإسلامية

عبد المجيد سليم

١ - مطبوع في مقدمة تفسير مجمع البيان لعلوم القرآن، طبعة القاهرة سنة ١٣٧٨هـ - ١٩٥٨م، وأعاد طبعه بإذن خاص مركز البحوث والدراسات العلمية التابع للمجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية، سنة ١٤١٧هـ - ١٩٩٧م.

ادب اختلاف

ادب در دفاع از مکتب

مرحوم علامه کبیر، جمال السالکین، جناب سید بن طاووس در کتابی که در نقد بر عثمانیه ی جاحظ نوشته، درباره ی ابن عبدالبر مالکی صاحب الإستیعاب می فرماید:

این روایتی است از شیخ فاضل، کبیر معظم، عارف حافظ، خیر ناقد، ابوعمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر ...



سن علي (ع) حين إسلامه ٥٩

زعم الناصب أبو عثمان : أن الناس اختلفوا في إسلام أمير المؤمنين عليه السلام ، فقال المكثر : إنه أسلم وله تسع سنين ، وزعم المغفل : أنه أسلم وله خمس سنين^(١) ، وقال الناصب في ذلك غير الحق ، فإن كان ما عرف فهو جد جاهل بالسيرة ، ذو إقدام على القول من تلقاء نفسه ، وإن كان عرف ، وقال غير ما عرف فهو كذب صريح ، دالٌّ على العصبية على أمير المؤمنين - عليه السلام - ، وبغضه كفر بالنقل المعبر .

بيان الأول:

ما رواه الشيخ الفاضل ، الكبير ، المعظم ، العارف ، الحافظ ، الخبير ، الناقد ، أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر النمري ،

٦٠ بناء المقالة الفاطمية الشاطبي^(٢) وهو غير متهم ونقله من كتابي الذي اخترته منه ، قال :

أخبرنا أبو القاسم خلف بن قاسم بن سهل - رحمه الله - ، قال : حدثنا أبو الحسن علي بن محمد بن اسماعيل الطوسي ، قال : حدثنا أبو العباس محمد بن اسحاق بن إبراهيم السراج ، قال : حدثنا محمد بن مسعود ، قال : حدثنا عبد الرزاق ، قال^(٣) : حدثنا معمر ، عن قتادة ، عن الحسن قال : أسلم علي - وهو أول من أسلم - وهو ابن خمس^(٤) عشرة سنة أو ست عشرة سنة^(٥) .

علي بن أبي طالب عليه السلام

ادب اختلاف

احترام به عالم ولو اینکه کافر باشد

مرحوم آیت الله بهجت می فرماید:

وقتی به ابوحنیفه مطلبی سخیف نسبت داده می شود، علامه ی حلی از او دفاع می کند و می گوید: شأن ابوحنیفه این نیست که چنین کلامی گفته باشد. (این مطلب در جواهر و مفتاح الکرامه نیز به علامه نسبت داده شده؛ اما در چاپ های کتاب علامه حذف شده است!) و باز مرحوم آیت الله بهجت می فرماید: وقتی یک عالم کافر از دنیا می رود مرحوم سید رضی برای تجلیل از علم او شعری در وصفش می سراید.

۵۰۸

احترام عالم ولو این که کافر باشد!

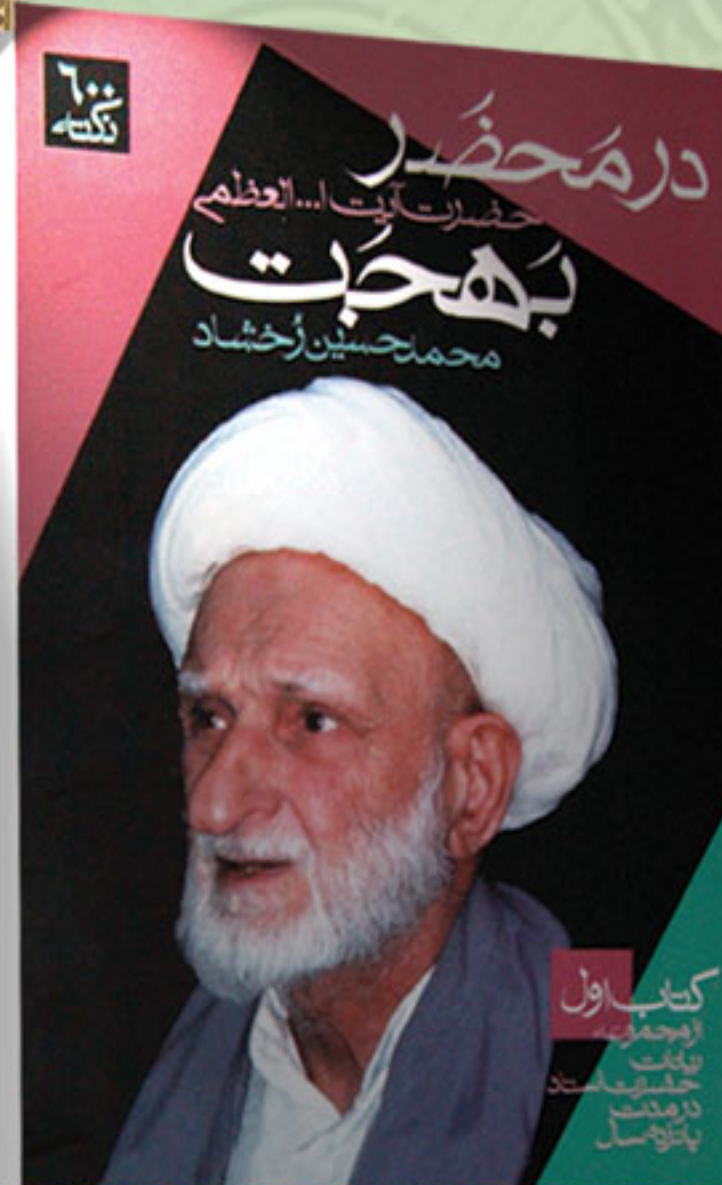
اگر بشر سعادت و شقاوت خویش را تشخیص می داد و نقص و کمال را می دانست، پیرو انبیا علیهم السلام می شد.

سید رضی رحمه الله از شخصی صابنی^۱ به خاطر فضلش تشیع کرد، با این که کافر بود، و علامه ی حلی رحمه الله در جایی از ابوحنیفه به خاطر فضلش دفاع می کند و می فرماید:

«هَذِهِ الشُّخْرِيَّةُ غَيْرُ لَايِقَّةٍ بِأَيِّ حَقِيقَةٍ.»^۵

این تمسخر و ریشخند لایق ابوحنیفه نیست.

۳۱۲



ادب احشلاف

شرح بر كتاب عالم سنى

علامه حلى در مقدمه شرحى كه بر مختصر ابن حاجب (در علم اصول) نوشته، مى فرمايد: اين كتاب كه از مصنفات امام علامه، جمال الدين، مَلِكُ المناظرين، جناب ابن حاجب مى باشد؛ محتوى مسائل شريفه، مباحث لطيفه، كلمات نورانى و پاسخ هاى روشن است. گرچه مختصر و موجز است، مطالبى دارد كه در مبسوطات و مطولات پيدائى شود.

(شگفت اينكه ابن حجر عسقلانى هم، درباره شرح علامه به مختصر ابن حاجب ميگويد: شرح او در غايت حسن است.)



۳۸ غایة الوصول وإيضاح السبل / ج ۱

تقديم العلم به على العلم بالأحكام. ثم لما كانت الأحكام متلفة من الخطاب الإلهي، ومستفادة من الأمر النبوي وكانت ضروب الخطاب متكررة الاعتبارات، متباينة في الدلالات؛ وجب أن يوضع لكيفية استخراج الأدلة قانون يرجع إليه ويعول عليه، وذلك هو الفن المرسوم^(۱) بأصول الفقه. ولما لطف الله تعالى لنا باملاء كتابي: «الاسرار الخفية» و«مناهج اليقين» فسي المباحث العقلية وتحصيل العقائد اليقينية، توجهنا بالطلب نحو املاء شيء في هذا العلم.

ولما كان الكتاب الموسوم بـ «مختصر منتهى السؤل والأمل في علمي الأصول والجدل»^(۲) من مصنفات الإمام العلامة جمال الدين ملك المناظرين أبي بكر عمر بن الحاجب،^(۳) قد احتوى من المسائل الشريفة والمباحث اللطيفة والبرادات اللاتحة والأجوبة الواضحة، على ما لم يوجد في المبسوطات ولم يسطر في كثير من المطولات إلا أنه قد بلغ في الاختصار إلى حد الإيجاز حتى كاد يعد من الاعجاز، فالناظر فيه لا يحصل إلا على قليل من معانيه؛ صرفنا الهمة في كشف أغواره، وإيضاح أسرارها، وإظهار ما التبس فيه من المشكلات، وإبراز ما استتر من المعضلات، ولم نتجاوز حد الشرح في هذا الكتاب بذكر ما يعتمد عليه في

۱. في «ب»: الموسوم.

۲. إن ابن الحاجب قد اختصر «الإحكام في أصول الأحكام» للأمدى وإضاف إلى مباحث المنطق وسماه «منتهى السؤل والأمل في علمي الأصول والجدل» ثم اختصر الأخير فأسماه «مختصر منتهى السؤل والأمل في علمي الأصول والجدل».

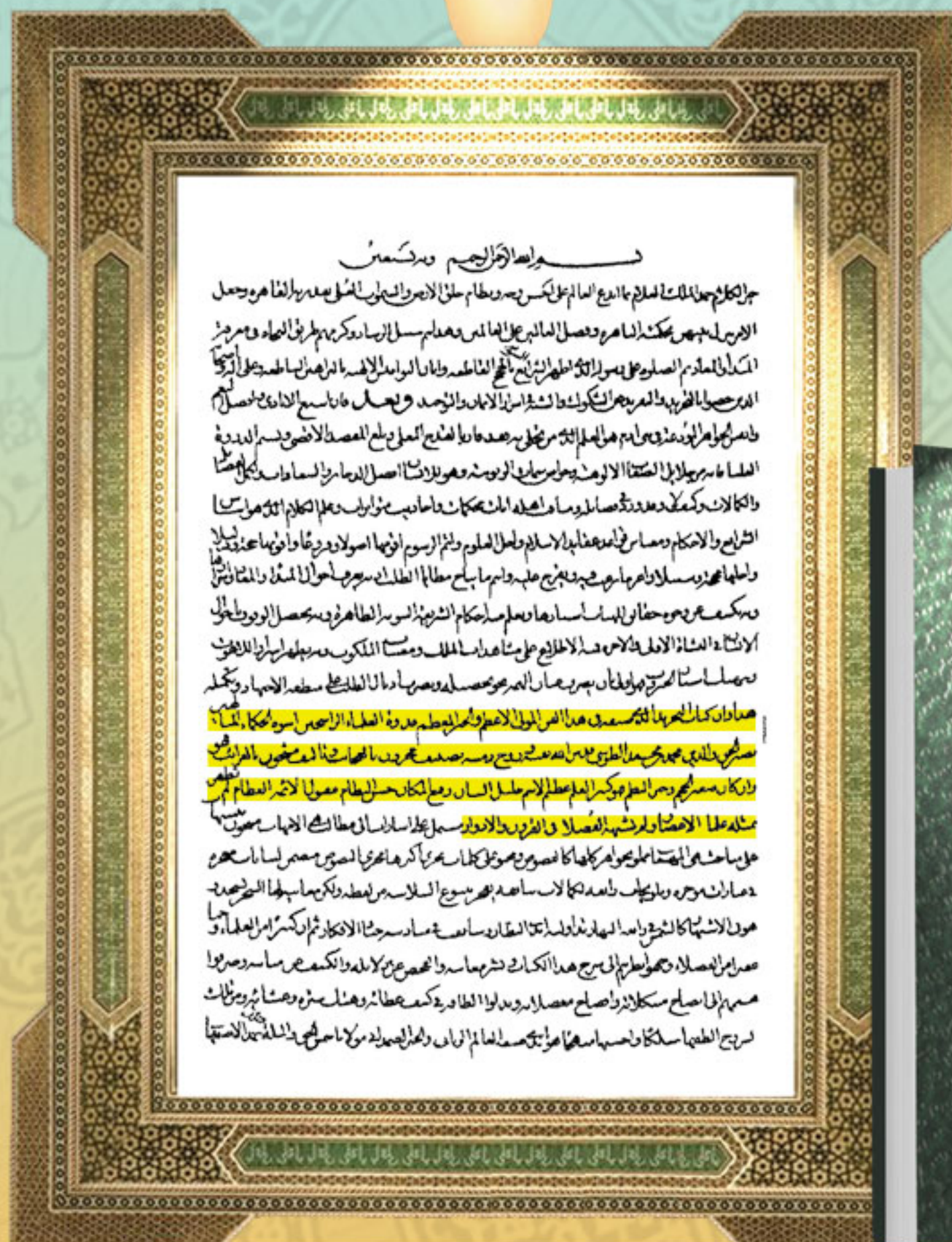
۳. كذا في «الف» وأما «ب» فقد جاء فيها «ابن بكر بن عثمان الحاجب»، والصحيح - كما في أكثر من مصدر - أبو عمرو عثمان بن عمر بن أبي بكر بن يونس المعروف بـ «ابن الحاجب».



ادب اختلاف

حیرت عالم سنی از کتاب خواجه طوسی

ملا علی قوشجی عالم برجسته اهل سنت در مقدمه شرحی که بر تجرید العقائد خواجه طوسی نوشته ، در کمال تواضع می گوید: این کتاب که از تألیفات پیشوای علمای راسخ و اسوه ی حکمای متأله است، گنجینه عجائب و مشحون شگفتی ها می باشد. گرچه کم حجم است و مختصر، ولی حاوی علمی کثیر، بیانی جلیل، مکانی رفیع و ساختاری زیبا می باشد؛ که مقبول طبع علمای عظام گشته و در بین کتب دانشمندان اسلام از ابتدا تا کنون مثل آن نیامده است.



ادب اختلاف

انصاف در نقد مخالفین

انصاف شیخ عبدالجلیل قزوینی در سراسر کتابِ النقض (در دفاع از مکتب تشیع) ستودنی است، از جمله در صفحه ۲۵۴ می نویسد:

ما مخالفین خود را مخطئ می نامیم، نه کافر و ضالّ.

و نیز در صفحه ی ۳۱۸ می فرماید: صد هزار لعنت خدا و لعنت اهل زمین و آسمان و همه ی فرشتگان و آدمیان و جنیان بر آن کس که معتقد است غبار فواحش بر دامن زنان مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم نشسته است.

۲۵۴ بعضی طالب التواصب (نقض)

و عمر اختیار خلق گویند، و امامت علی و اولادش نصّ دانند از فعل خدا، و عاقلان دانند که این نه دشمنی بویگر و عمر باشد، و نه دشنام و بدگفتن صحابه و تابعین. و اگر به خلاف این حوالّتی هست بر حشویه و عُلاّه است، نه بر اصولیان. و السلام علی من اتبع الهدی. لا علی من کفر و تولی.

مقام ابو حنیفه و حدیث بوحنیفه و شافعی در فصول این کتاب برفت که شیعه ایشان را چگونه دانند و گویند، و توحید و عدل، مذهب بوحنیفه و شافعی بوده است، و بر حسب اهل بیت کشته آمده اند. و در ذکر فقها همچنین، اما یکی از این فقها که خوارج به تشیع آورده است مالک است، استاذ شافعی که خوارج به تشیع آورده است: «رافضیان او را کافر مذمت مالک بن دانند» و ندانند، اما در مذهب و تصنیف خوارج سنی تأمل باید کرد تا خود به چند این توسط مؤلف موضع و مالک را کافر خوانده است و دانسته که چون گوید: «خیر العمل [گفتن] دست سنی و دفاع عید فرو گذاشتن نشان ملحدان است» و علمای طوائف دانند که این هر دو مذهب مالک است و انکار این جحد محض است. پس خوارج که به یقین مفسوخ مالک را ملحد خوانند، شاید که رافضیان را به عداوت او ملهم نکند، و چون قوی او در مالک با کتب درجه او چنین باشد، در ذکر فقها چگونه باشند...؟! و هر کس که درین کلمات به انصاف تأمل کند، قایده یابد.

و معلوم همه علماء و فضلاء است که فقهای فریقین را در مسالک، تفریعات با یکدیگر خلاف بسیار است و هر چه درین مخالفت ایشان را با یکدیگر لازم است و ایشان در حقّ یکدیگر اجرا کنند، این طایفه را چون در فروع با ایشان خلاف باشد، همان اجرا کنند، کافر و ضالّ نگویند؛ مخطئ گویند؛ تا این را با آن قیاس می کنند و زبان طعن بریده می دارد.

۱. ج. ۱، ص. ۱۰۹، پس از قیل این شعر مستشهد به در نحو است:
مسلم الله بسا مظهر علیها
و لیس علیک با مظهر السلام
۲. یعنی شایسته است.
۳. ج. ۱، ص. ۱۰۹، «یا کبر و درجه ۱، ص. ۱۰۹، و ندارد»
۴. ج. ۱، ص. ۱۰۹، «یا کبر و درجه ۱، ص. ۱۰۹، و ندارد»



إِنَّا هَبْنَا الدُّنْيَا
مُتَفَرِّقَةً لِّكُلِّ
الْأَشْئِئِ كَافِرٍ

www.KitaboSunnat.com

الْعَدَّة

في أصول الفقه

أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي

تحقيق محمد رضا الأنصاري القمي

يلزمه أن يَنسَق الطائفة بأجمعها! ويضلل الشيوخ المتقدمين كلهم! فإنه لا يمكن أن يدَّعي على أحد موافقة في جميع أحكام الشرع، ومن بلغ إلى هذا الحد لا يحسن مكالمته، ويجب التغافل عنه بالسكوت.

ادب اختلاف

تواضع شگفتِ شیخِ ازهر!

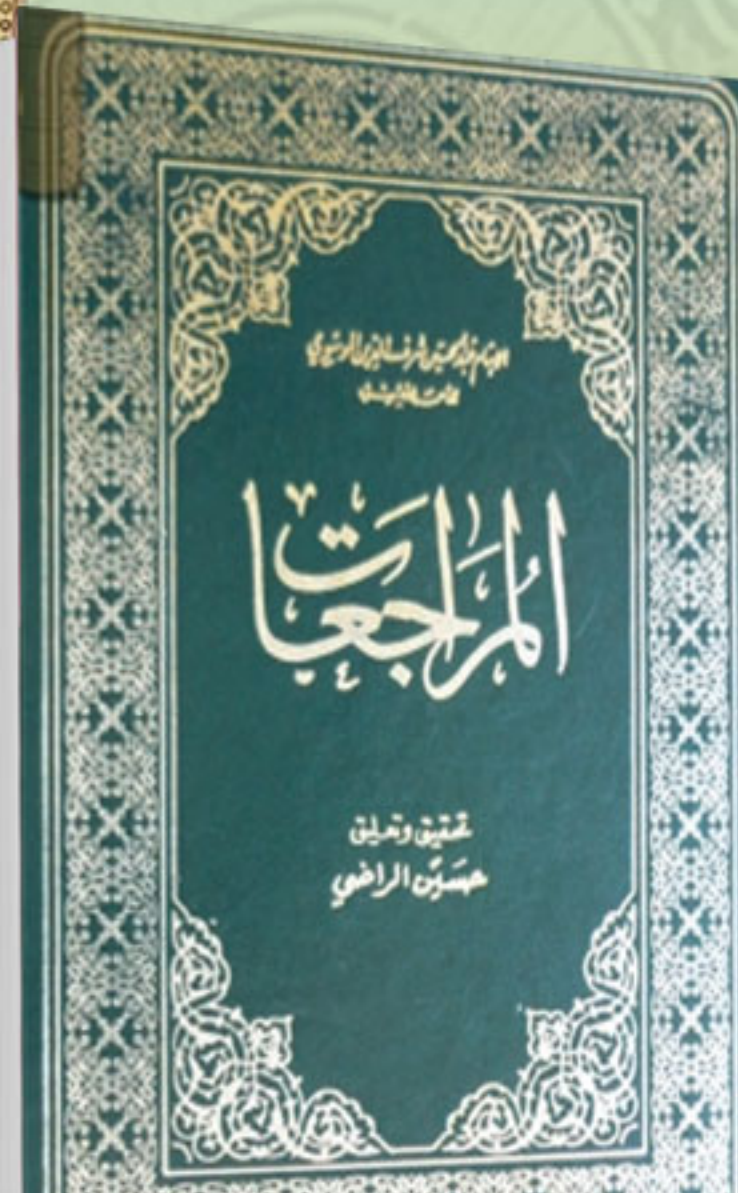
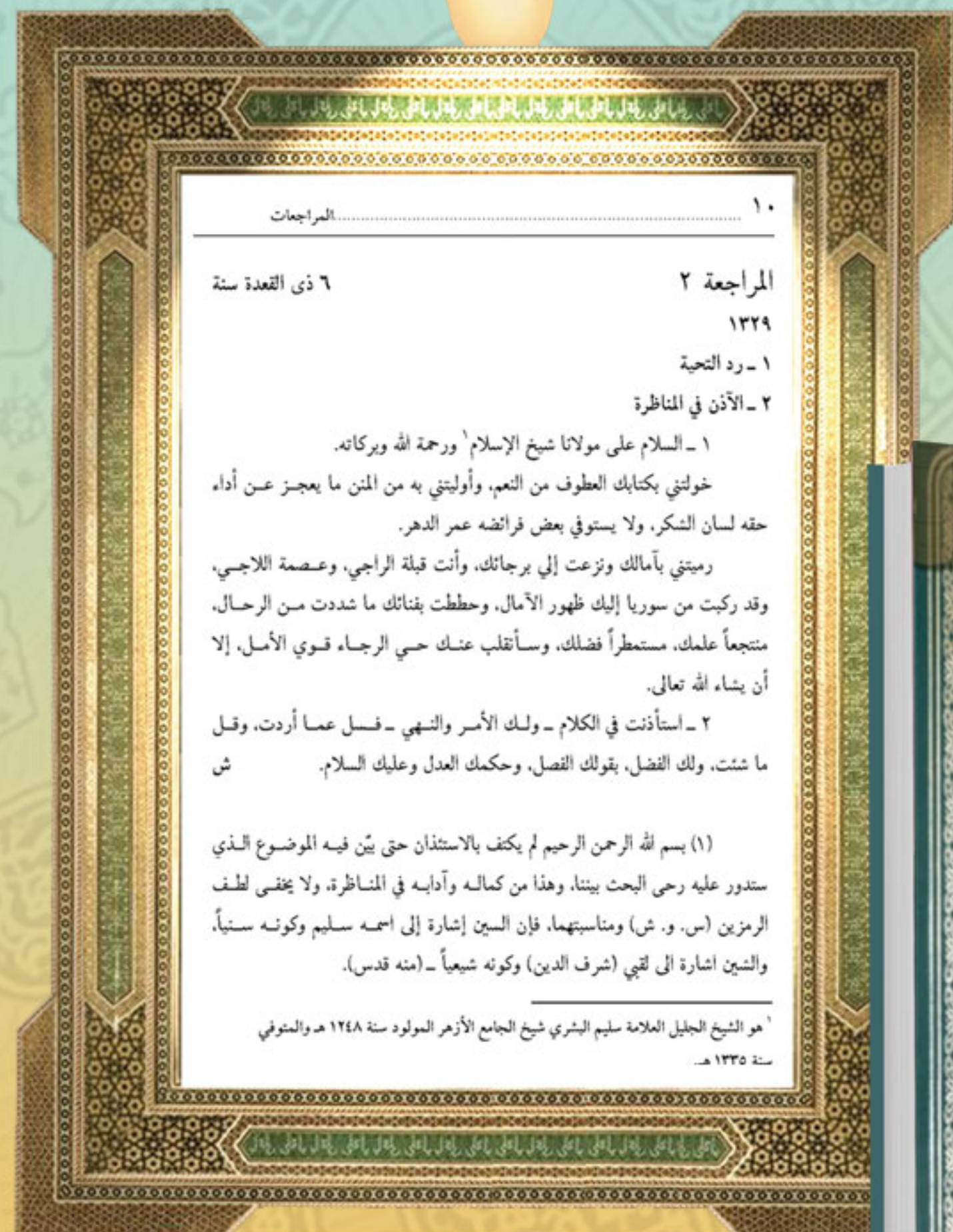
شیخ سلیم البُشری در ۸۱ سالگی و اوج شهرت و ریاست ازهر مصر، به علامه شرف الدین دانشمند ۳۹ ساله شیعه می نویسد: من تا به حال با شیعیان مواجه نشده بودم و اخلاقشان را نمی شناختم، تا اینکه خدا به من توفیق داد در ساحل دریای علم تو بنشینم و جرعه نوش جام دانش تو گردم، تا عطشم از تو که دست پرورده ی مکتب جدت مصطفی شهر علم، و پدرت علی مرتضی باب آن هستی، سیراب گردد؛ که در طول عمرم شرابی گواراتر از آن نچشیده ام.



ادب احشلاف

نتیجه ی ادب علامه شرف الدین

علامه شرف الدین در پاسخ میگوید: سلام بر مولای ما شیخ الاسلام و رحمة الله؛ در نامه ات بر من چنان منت نهادی که زبان شکر از ادای حقش عاجز است و تا پایان عمرِ دهر، رهینِ منت! تو قبله ی امیدواران و پناهگاه بی پناهانی! از سوریه به مصر آمدم تا آرزوهایم برآورده شود، به درگاه تو بیفتم و از علمت بهره بگیرم. (لازم به ذکر است با معرفی صحیح مکتب اهل البيت عليهم السلام توسط ایشان شیخ سلیم قبل از مرگ شیعه شد.)



ادب احشلاف

ادب عالم و لوی علوی

علامه ی متبع آیت الله خوانساری (که در ابراز محبت و ولایت به امیرمؤمنان علیه السلام و دفاع از تشیع گوی سبقت از همگنان ربوده) وقتی از نواده ی تفتازانی یاد میکند، میگوید: مولی فاضل، فرهیخته، سیف الدین، احمد بن یحیی مشهور به شیخ الاسلام نواده ی محقق تفتازانی؛ او در اکثر علوم، یگانه ی زمان و سرآمد دوران خود بود؛ اما متأسفانه توسط سربازان شاه اسماعیل کشته شد.



ادب اختلاف

یک عمر تأسف

وقتی محقق ثانی (صاحب جامع المقاصد) بر شاه طهماسب وارد شد، بخاطر قتل شیخ الاسلام، نوه ی تفتازانی اعتراض کرد و فرمود: اگر او کشته نمی شد و برایش حجت و برهان قوی ارائه می کردیم، قطعاً به حقانیت مذهب امامیه اذعان می کرد و به این طریق خیل کثیری از پیروان او در شهرهای مختلف نیز هدایت می شدند؛ از این رو محقق ثانی تا پایان عمر شریفش از این واقعه متأسف و متأثر بود.

۱۶۰ - أحمد بن يحيى التفتازاني - ۳۴۳-

شهور سنة الفتح المتقدمة إليها الإشارة عام وفاة الشيخ برهان الدين الساغوري أيضاً من علماء مصر المحروسة كما في أخبار البشر وغيره. ثم قتل من بعده من أولئك السنة أيضاً الأمير غياث الدين الرازي بعد حبس طويل بيد الأمير خان الوزير المعين لثرية السلطان شاه طهماسب بن السلطان شاه إسماعيل في زمان تولية حكومة الهراة من قبله. هذا.

و في بعض كتب التواريخ أنه لما دخل الشيخ المحقق خاتم المجتهدين على بن عبد العالي الكركي العاملي مدحه الله الهراة، وقد كان في موكب السلطان شاه طهماسب المذكور اعترض عليهم في قتل شيخ الإسلام، وقال: إنه لو لم يقتل لأمكن أن يلزم عليه بإقامة الحجج القاطعة، والبراهين الساطعة حجة مدع الإمامية، و بطلان مذاهب غيرهم. فيكون ذلك سبباً لهداية سائر أهالي تلك البلاد. فكان الشيخ على المذكور في ذلك التأسف أبداً مدة حياته.

ثم إن لهذا الرجل من المصنفات مجموعة من الفوائد المتفرقة المتعلقة بحل المشكلات وكشف المغالطات، ودفع المناقشات المتنوعة بين الأحاديث والآيات، و نوادر كثيرة من الملاح والحكايات، و الأمور المعقبة على غالب الجماعات تشتمل على نحو من ثلاثمائة فائدة يذكر كل واحدة منها في فصل عليحدة كألوان الأطعمة الموضوعة على أطراف المائدة، و حاشية على مختصر شرحي التلخيص منسوبة إليه، و شرح على تهذيب المنطق لجده التفتازاني أيضاً كتبه في سنة اثنين و ثمانين و ثمانمائة، و تعليقه على شرحه المشهور على العقايد النسفية في الكلام، وغير ذلك. فليلا حظ.



﴿ غرض حال یکی از پیشوایان جعفری، مذهب از بخارا به مقام منیع ﴾

﴿ ریاست روحانی اسلام در نجف اشرف ﴾

﴿ سلام الله علی من دفن فیها ﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بعرض حضور مبارك حضرت حجة الاسلام والمسلمين اية الله

في العالمين متعنا الله بطول بقائه ميرساند

انشاء الله مزاج مبارك در عين عافيت خواهد بود غرض از تصديق

اوقات مبارك اينست كه اگر جوابی احوالات اينجانب بوده باشد

الحمد لله والمنة از برکت توجهات انفس قدسيه ارباب نوع نعمت

عافيت ظاعری في الجملة مرزوقست لابد بسمع مبارك اخبارات اين

جانب رسیده است كه اهل عامه حكم بكفر و امر بقتل و غارت ماطائفه

مردان و زنان و اطفال صفار را كشتند حتى زن حامله را در میاز راه

عام شكش را دریده جنين هشت ماهه را بیرون آورده باره باره

نمودند بعضی از دخترها را بكنیزی بردند دكاكين و خانهای ما را

غارت نمودند در میان كوچه و بازار فحش و دشنام دادند و مهمتها

بستند الی الان هم فارغ از بلیه نیستیم بعد از این هم معلوم نیست که
 حال ما چگونه خواهد شد سبب اینگونه صدمات بناها از بی تقیه کی
 حضرات مصنفین و مؤلفین و نویسندگان چاپ خانها می باشد
 توقع از ارباب نوع اینک امر بفرمایند تالغن و طغن را از کتب
 بردارند و بعد چیزیکه باعث بر اینگونه صدمات و ابتلاآت میشود
 نویسند تا باعث نجات چندین کرور نفس در خارجه بشود بجهت
 زیادی مترو دین و نزدیکی راهها غالب از گتب بدست اهل عامه
 اوقتاده باعث این فساد گردیده است اگر چه برداشتن اینها از کتب
 محال عادیست لکن هر چه بیش بشود بهتر خواهد بود والسلام
 (جواییکه از طرف حجة الاسلام اقلای شریعت اصفهانی مدخله داده شد)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمین و افضل صلاواته و تسلیماته علی افضل انبیائه
 محمداله ایطاهرین و اصحابه المتعهدین

پوشیده نماید آنکه چنانچه اهل سنت فرق مختلفه و طوائف
 متشکله می باشند و در اصول دین و فروع آن اختلاف فاحشی داشته

و دارند همچنین شیعه طوائف مختلفه بودند و آنچه از کتب معتبره و آثار معتبره و تصریحات محققین طرفین معلوم و محقق شده است که شیعه چهار صنف بودند

﴿ اول ﴾

شیعه تفضیلیه که قارئین با فضیلت امیر المؤمنین علی سلام الله علیه بر سایر خلفاء راشدین رضى الله عنهم بوده اند بدون آنکه تعرض و سوء عقیده نسبت باصحاب و ازواج نبی (صلعم) داشته باشند و بجهت اعتقاد افضلیت انجناب عمل آنها در فروع بر طبق اقوالی بوده که نزد آنها از ایشان ثابت شده

﴿ دوم ﴾

شیعه تبرائییه که علاوه بر معنی سابق تبری از مثل طلحه و زبیر و معاویه و محاربین امیر المؤمنین داشته و در حق ذی النورین نیز اعتقاد صدور کبیره داشتند بلکه منتهای علو تشیع صاف نزد بعضی همین قدر بوده ﴿ قال الذهبی من اکابر أهل السنة فی میزان الاعتدال الشیعی النالی فی زمان السلف و عرفهم هو من تکلم فی عثمان و الزبیر و طلحه و معاویه و طائفة من حارب علیا و تعرض لهم ﴾

﴿ سوم ﴾

شیعه سبیه که علاوه بر سابق در حق بعضی از واجبی (مسلم)
و شیخین کلمات ناشایسته می گفتند و آنها را غاصب بلکه عیاذ بالله
کافر تعبیر می کردند

﴿ چهارم ﴾

غلام شیهه که عیاذ بالله الوهیت در حق امیر المؤمنین داشتند
و محققین اهل سنت از دو صنف اول و مخالفه بانها و اخذ حدیث از
انها و نقل اقوال و روایات تحریر نداشته و جایجاد رکتب دینییه حتی
مثل صحیح بخاری و مسلم بر روایات جمعی مسلم التشیع اعتماد می نمودند
چنانچه اینهمانی بر متبحرین از علماء مخفی نیست بنابراین

مقدمات از اهل تدین و صلاح و سداد و کسانی که اعتقاد بیوم
المعاد و محازات رب ابداد دارند بسیار عجب است به مجرد دیدن
کلامی در کتبی از شیعه یا شنیدن مقالی از بعض فرق شیعه حکم بضالات
و کفر همه فرق آنها نماید و اعراض و دشمنی و اموال جمعی را که خبر
از سر اثر و ضایع آنها ندارد هتک و صفک و نهی نماید

و اعجب از این آنکه مقتدای اهل سنت در اصول اعنی ابوالحسن
اشعری و مقتدی آنها در فروع اعنی امام ابوحنیفه و امام شافعی بحسب

شریحات فتها، آنها تکفیر هیچیک از فرق مبتدعه و جمیع مزبصلی
 الی القبله نکنند و همه را مسلم دانند و محقوز الدم و اقتداء بنیر از
 غلاة از باقی فرق شیعه را در غایت تجویز کنند چنانچه همه اینها در کتب
 فقه حنفیه و شافعیه مضبوط است و مع هذا جماعتی که رتبه ادانی تلامیذ
 از هارا ندارند و غاشیه تقلید آنها را در کردن دارند در فروع و اصول
 بآنها مخالفت میکنند و سبب نجرى جمی از عوام غیر مبایز شوند و بفکر
 جوابی برای این فتاوی باطله و شکایت مظلومین سجا اطفال در عرصه
 عرصات نباشد

امروز روزی است که همه فرق مسلمین باید نزاع خانگی را موقوف
 دارند و معاوت یکدیگر مقابله کنند بآنها که اضمحلال
 شرایع اسلام و ایمان و انهدام اساس شریف قرآن و تبدیل ناقوس
 باصوت اذان و ذهاب اسم پیغمبر آخر الزمان علیه و اله افضل صلوات
 الملك المنازرا طالبه و عمل کنند بوصیت انجناب در مسه حنیف
 و بدو احده بر من سوای خود شوند و زیاده از این تقویت قوای
 اجانب را بتوهین و تضعیف قوی خود و شیوع اخبار موحشه که
 تصدیق وقع باسم بیهم می نمایند نکنند تا کی مسلمین در خواب
 و اغترار و اجانب هشیار و یدار کار و السلام علی من اتبع الهدی

وتجنب الضلالة والردی

— سؤال —

در بعضی از جراثید طبران بهترین نمایندگان بشریت و نزدیکترین مسالک انسانیت نسبت میدهد که کم بقصاص را موجب حیوة بشری نشمارند و گویند اگر کسی از روی وحشیت دیگر را از زنده‌گانی محروم نماید هرگز سزاوار نباشد که یک جمعیت عاقله بشریت همین سلوک را در مقابل با او معرفی دارند و پس از نقل این قول از آنها خودش نیز این مسالک را صحیح می‌شمارد و خود را طرفدار این مسالک قرار میدهد

انتشار این کلمه در از جریده موجب اختلاف کلمات شده که ای این کلام موجب خزعرج از دین اسلام است یا خبر آنچه که در این باب بر اداره مبارکه درة النجف مکشوف است البته لازم که بیشتر کین عظام خود ارائه فرمایند

— جواب —

بر حسب وظیفه لازمه درة النجف بایست که پس از نشر این مقاله فوراً بجواب آن پردازد و تشویش اذهان را جلو گیری نماید ولی عدم وصول آن شماره مخصوص در اینجا مگر پس از مدتی و فی الجمله



خطابه در خصوص اتحاد اسلامیه مسلمین

بناسبت تضییقات روس و انگلیس

در باره ابراب

از طرف یکی از علماء نجف اشرف الشیخ عبدالحسین الرشقی

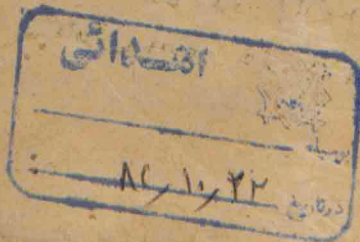
در حوزه علماء و مجتهدین
قرائت گردید

۲۲۷۲۵۶

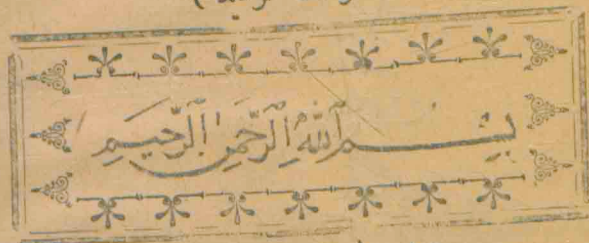


(نجف اشرف) در مطبعه (جبل المتین) طبع گردید ۱۳۲۹

بایستق شهر محرم الحرام سنه ۱۳۲۹



(بناسبت احکام صریحه علماء اسلام و پیشوایان مذهب در خصوص)
 (اتحاد اسلامی و درباره لزوم اتحاد و اتفاق تمام طبقات ملت)
 (ایرات در مقابل تضییقات روس و انگلیس این دعوت نامه)
 (و خطابه مهیجانه در حوزه علماء و مجتهدین نجف اشرف)
 (قرائت کردید)



(لك الحمد و بك المستعان)

هانای ملت ایران ، وای گروهیکه از معتقدین دین حنیف اسلام در
 اقطار عالم معرفی شده ، و خود را از حاد و طرف داران آئین حضرت
 ختمی مرتبت (ص) میدانند يك لحظه سر از خواب غفلت بردارید
 و آنکه از سر جهل و نادانی بخود آید ، نظر عبرت بسوی
 برادران دینی خود که منتشر در اقطار عالم اند چشم گشاید ، ناله های
 جانگداز و فحشه های جگر خراش و استفاه های مذلت آمیز آنها را
 بگوش هوش فرا گیرید ، نصایح مشفقانه آنها را بجزا و دل پذیرا شوید ،
 برادران قرآن و قرم ، بخارا و خیره ، ترکان و قفقاز ، هندو جاوه ،
 سودان و مصر ، تونس و الجزایر ، دست تضرع و ابتهال بسوی

شاهها دراز کرده بشما میگویند که ما معصیت خدای تعالی کرده ،
 قوانین اسلام را پشت سر انداخته ، و آتشه شقاق و اختلاف و اغراض
 و هواهای نفسانی ریشه اتحاد و برادری خود را قطع نمودیم ، خانان
 خود را بدست خود خراب و استقلال مملکت خود را بسوء تدابیر
 و اعمال زشت خود محو و نابود کردیم ، و باختیار خود عزت
 و شرف و سعادت را از دست دادیم ، و از فرط جهل و نادانی خود
 بیرق اسلام را و ازگون و در تحت لواء کفر رفتیم ، خدایتعالی بواسطه
 نافرمانی و طغیان و تمرد از او امر و نواهی بیغیرش مارا مبتلا
 باین هذلتها گردانیده ، اینک تازیانه کفر بر ما مسلمانان حاکمیت
 و سلطنت دارد (نهود بالله من سیئات اعمالنا) و اوقاتی که چنگال ستم
 کارانه کفر بدیار اسلامی ما بتدکرید بواسطه بعد مسافت و عدم
 روابط تجاریه و سیاسیه نتوانستیم ناله های مظلومانه خود را بسمع
 شاهها برسانیم ، ولی امروزه شاه برادران دینی که در ایران زمین سکنی
 دارید بواسطه اهمیت و مرکزیت نقطه سکنی شما برای اسلام بجهت
 توجه سیاست دول غرب بمملکت شما نهایت درج احترام و احتیاط را
 باید مراعات کنید چه آنکه شاهها میتوانید ناله های مظلومانه و مطالب
 حقه خود را بسمع علیان برسانید ، و بددو دهانیت سیصد میلیون
 مسلمان از حیثیت مال و جان دفاع از دین مقدس اسلامی خود نمایند ،

خدای ناکرده اگر کفار بواسطه اعمال جاهلانه و افعال مغرضانه و حرکات اختلاف و نفاق آمیزشها مسلط بر آب و خاک میشوند زنان و اطفال شارا بزنجیر اسارت خراهند کشید ، و در بازار کفر بیع و شراء خراهند کرد ، و یک مرتبه باید بر شعائر اسلامیة فاتحه خواند و عمده قوانین حضرت رسول را باید بیچشم خردمند فون در خاک دید در کلیه ممالک اسلامیة بجای ندای روح افزای (الله اکبر) و نام مبارک (رسول الله) (ص) صدای ناقوس باید شنید ، مساجد را کنایس عورات مسلمین را مقهور و بنقاد کفار ، این چه کسالت و بی حی و بی حقی است که شما را فرا گرفته ، اسات سخویه و استهزاء مردم دوروی کرده راه توجیه شماها گردانیده

عزار درین و افسوس که ایران از دست مسلمانان خواهد رفت و بنیان اسلام خانه رخنه دار خواهد گردید بچاشند غیرت و همت شماها ؟ چه شدان عصیت اسلامی شما ؟ مگر خاک آذربایجان و قزوین و خراسان متعلق بعام اسلام نیست ؟ مگر مردم آن بلاد باشماها برادر دینی نیستند ؟ در توحید و کتاب و قبله و صلوٰه و صوم و حج و زکوة و سایر احکام اسلام با شما شرکت ندارند ؟ آیا بنیرت شماها می گنجد که زنان و اطفال آنها از صدای هیاهوی

قشون اجنبی و صهییل اسباب و صوت شیپور کفر مانند پید بر خود بلرزند ، و شماها در بستر راحت غنوده باشید ، خدای عالم گواه است که اگر کوههای آتش فشان سیاست اروپائیان بسمت ایران آتش فشان کند ، و سیلاب بلایا و محن مغرب زمین بسوی ایران متوجه شود ، و آذریانه های کفار بر سر مسلمین بلند گردد با تفاوت بین اهالی آذربایجان و قزوین و خراسان و سایر بلاد ایران نخواهند گذاشت ، زنها و اطفال تمام اهالی ایران گرفتار چنگال ظلم و ستم کفار خواهند گردید ؟ مگر نه این اسلام همان اسلامی است که وقتیکه کفار سو ، قصدی بجانب او میکردند مسلمین بایک هیجان تمامی در حالتیکه بالطوع و الرزبه اموال خود را صرف دفاع از کفار کرده با امر اندازه از قشون که ممکنشان بود از مملکت اسلامی خارج شده در خود بلاد کفر دفاع مینمودند ؟ آیا این قضیه تاریخی بگوش شما مسلمانان نرسیده که وقتیکه جاعقی در مدینه برای حضرت رسول خبر آوردند ، (هر قل) که امپراطور کل ممالک اروپا بوده چهل هزار لشکر متوجه مدینه ساخته ، بقصد آنکه پایتخت اسلام را قبضه کرده ، دین اسلام را مضمحل نماید ، رسول اکرم فرمودند که مسلمانان باید مهیای رزم شوند ، و در اراضی نبوک با کفار رزم دهند ، و چون موسم گرمای تابستان و موقع رسیدن میوه جات و درو کردن

غلات بود مسلمین میل داشتند که روزی چند در سایه درختان آسایش
کنند ، پس از شکستن سورت گرما و جمع غلات پذیرای دفاع شوند ،
که آیه مبارکه (یا ایها الذین آمنوا مالکم اذا قیل لکم انفروا فی
سبیل الله انما قلتم الی الارض آرضیتم بالحیوة الدنیا من الآخرة فامتع
الدنیا فی الآخرة الاقلیل الا تنفروا ینذیکم عذابا لیمیا و یتبدل
قومنا یرکم ولا تضروه شیئا والله علی کل شیء قذیر) نازل گردید
خلاصه معنی آنکه چه شده است شما مؤمنانرا که در امر جهاد سنگینی
میکنید و دنیا را بر آخرت ترجیح میدهید ، حال آنکه دنیا را در
جنب آخرت مقداری نیست و اگر مایل به جهاد نشوید خدای عزوجل
شمارا هلاک کند و بجای شما پیغمبر خود را قومی فرمان بردار
بخشاید ، و فرمودند که ای مسلمانان دنیا نسبت با آخرت آنقدر ندارد
که سر انگشت را به ابزنی و رطوبت سر انگشت را بادریا نسبت دهی
نعمت و دولت بزرگ را از هر چیز کمی از دست ندهید ، و در کار
دفاع استوار باشید ، چنانکه خداوند فرموده (انفروا خفافا وثقالا
وجاهدوا باموالکم وانفسکم فی سبیل الله ذلکم خیر لکم ان کنتم
تعلمون) خلاصه مضمون آنکه بجزم ستر تیوک از مدینه بیرون روید
چه پیاده بجاءت و چه سواره با نیروی و جان و مال را در کار دفاع
وقتی نگذارید که خیر و سعادت شما در فرمان برداری و کوشش در امر

دفاع است ، در انحال یک هیجانی در مردم مدینه پیدا شد که مردم
بقدر مقدار مقدور خود اعانه از برای دفاع از مملکت اسلامی در نزد پیغمبر
حاضر کردند ، حتی مزدوران و آب کشان بستانها خرمائیکه با جرت
آب یاری گرفته برای اعانه حاضر نمودند ، و زنهای مسلمانان
زبورهای خود را بحضور رسول اکرم انفاذ میداشتند تا در تهیه قشون
مصرف نمایند ، و بالجملة بیست و پنج هزار قشون ملی تهیه فرمود
بالآنکه هوا بشدت گرم زاد و توشه مسلمین نهایت کم بود بطوریکه بعضی
از ایام هر دو نفر یک خرما قوت خود مینمودند ، و هر ده نفر بر سیل
نوبه بر یک شتر سوار میشدند ، و در بعضی از منازل که آب نایاب بود
شتران را تحریر کرده و طوایف آنها را و احشای آنها را بجای آب مینوشیدند ،
با ان همت و حیت و با ان قناعت و صبر کفار را از تسخیر ممالک اسلامی
دفاع میدادند ، بعلاوه الگوه فتوحات محیره العقول مینمودند ،
آیا چه شده است مردهای مسلمانان این زمان را که باندازه زنان ان
زمان همت و عصیت اسلامی در آنها دیده نمیشود ؟ عروق اعصاب
اسلامی آنها خشکیده ، ابداء خوف ملت اسلام از تعدیات کفار
بجوش نمی آید ، و اسفاه از بی حسی مسلمانان ، هیچکس امروزه
از مسلمانان توقع ندارد که تبحر و شکر کرده سوق بلاد کفر نموده
با آنها مقاتله نمایند ، و مرکز رؤسای روحانی ما این مطلب را روا

ندارند !! بلکه توقع این می‌رود که این اندازه از مملکت اسلامی که فعلا استقلال اسلام فرمانفرمان دارد و بنزله يك دهلیزی است از اسلام خانه که دریدم مسلمین باقی مانده و سایر بناهای عالیه آن اسلامخانه را امروز سلاطین کفر فرمانفرمائی دارند ، همت کنند غیرت نمایند مرضات خدا و رسولش را در نظر بگیرند ، از استیلای کفار حفظش نمایند ؟ آیا این جرئت و جسارت اجانب و دخول آنها در قباب مملکت اسلامی و هزار گونه اجحافات و تعدیات غیر قانونی و حالات بر درین اسلام شکنانه کفار از جنوب و شمال مملکت را علت و سببی غیر از توانی و تساهل و بیخسی ماها مسلمانان سبب دیگری هست ، حاشا ثم حاشا ایها المسلمون ، امروز استقلال اسلامی ما بتارموش آویخته ، و ذن مقدس اسلامی ما از هیبت و صلابت غرش توب و تفنگ اجانب و بی حقیق و عدم اتفاق ما مسلمانان در حال احتضار است اگر مددی ننماید و اعانق نکنید ، يك قطره از ماء الحیوة اتفاق و اتحاد بحلق این محتضر بچکانید ، يك روح تازه در این بدست خواهد دمید ، تمام هیبت و صلابت قوای اجانب را مضمحل و نابود خواهد نمود ، و آن تار موقوف گرفته جبل المتین اتحاد و عروه الوثقی اتفاق خواهد کردید که هیچ آلت قضاة انصام و انقطاع نپذیرد ، ای مسلمانان با نیروی ایران بخشی ، وای جوانان با غیرت ایران هر که کنید دست بدست

و پشت به پشت داده یکدل و یکجهت شوید . و بسوی مقصد مقدس که حفظ آب و خاک اسلامی و استخلاص مسلمین از اسارت کفر است بشناسید ، العجب ثم العجب ، این همان اسلامی است که بواسطه بیرون کردن اتباع معویه يك خلخال را از پای يك زن یهودیه که در حفظ اسلام بوده حضرت امیر المؤمنین (علی) (ع) بالای منبر کوفه آغاز بی تابی مینماید گریه شدید بر آنحضرت مستولی و بایک عالم حزن و اسف می فرماید که علی زنده باشد خود را حافظ و نگهبان ممالك اسلامی بداند و اتباع معویه در مملکت او این ظلم فاحش را روا دارند ، خلخال را از پای زن یهودیه که در پناه مسلمین است بعنف و غصب در آورند ، ای قائدین اسلام ، وای کسانی که جانت خود را برای حفظ ممالك اسلامی در راه خدا داده اید سر از قبرها بردارید و نظاری بحالت فلاکت آمیز مسلمانان این زمان کنید که چگونه هر صد هزار مسلمان را يك نفر کافر پیش کرده ، و بایک تازیانه مانند کله گوسفند و گو بلکه حقیر تر میراند ، و اجبلاه و افلاکاه ای مسلمانان امروز دسته دسته قشون اجنبی از حدود خود تجاوز کرده بخانه شما درآمده و هر گونه تصرفات مالکانه مینماید و شما دست بالای دست گذاشته نگاه میکنید ؟ مگر این خانه شما نیست مگر خشت و گل این خانه از خونهای آباء و اجداد شما عجین نشده ؟

مگر این آب و خاک و آن مقدس اسلامی شما را از ریشه جث خود
تندیه و تپیه نکرده و شما را در مهد آسایش تربیت ننموده ؟ چگونه
راضی می شوید که اجنبی بدون اجازه وارد خانه شما شود و بر
اعراض و نوامیس شما مطلع گردد و شما را مثل عید و آما در زنجیر
اسارت بکشند و اغیرناه و احیقناه ، امروزه دواء براء الساعه و تریاق
فاروق این داء عیا و مرض باخطر بحکم محکم رؤساء و روحانی اعانت
جوانان شایر و ایالات و قری و تصبیجات و بلاد ایران است باید امروز
اغراض شخصیه و رقابتی سابقه و بدر کشتگیهای سابقه را بکناری
گذاشته بایکدیگر متفق شده دست اعانت و همراهی بسوی دولت
متبرع بخرد دراز کرده هر نحو که ممکن باشد دولت خود را تقویت
کنید و از بدل جان و مال مضایقه ننمایید تا دولت را متمکن سازند که
بک قشوت منظم کالیف برای تأمین مملکت تهیه نماید و بهانه اجانب را
مقطوع دارند و چنین تصور کنید که گرفتاری امروزه ما مسلمانان
مانند گرفتاری غزوه تبوک است و رؤساء و روحانی شما از نجف اشرف
بتوسط مکاتب و تلگرافات از شماها دایب نصرت اسلام نمایند
و شما را دعوت میکنند برای دفاع از اجاب و استعانت آب و خاک اسلامی
خداوند عالم فرماید (ما کن لاهل المدینه و من حولهم من الاعراب
ان یتخلفوا عن رسول الله و لا یترغبوا بانفسهم عن نفسه ذلک بانهم لایصیبهم

ظما و لا نصب و لا مخصه فی سبیل الله و لا یطؤون مواثا یفیظ الکفار
و لا یبناون من عدد نیلا الا کتب لهم به عمل صالح ان الله لایضیع اجر
المسنین) خلاصه مضمون آنکه و نیست اهل مدینه و اعرابی را که
در اوراق مدینه سکنی دارند تخلف از رسول الله کرده و در مقام دفاع
بر نیایند ، چه آنکه از حضرت رسول ایشانرا آسبی نرسد و در راه
خدا تشنه کی و گرسنه کی نکشند و ضرر و زیان از دشمن نه بینند
مگر آنکه خدای تعالی بجزایات کار نیکو مزد نیکو کاران را عطا
کند ، و چون زمان نزول آیه مملکت اسلامی منتشر بود مدینه
و اترافش این بود که خداوند ایشانرا مخصوصا یاد فرموده ، ولی
همین حکم رسول اکرم امروزه از جانشینان آنحضرت بسریه
شاه ایران یافت متوجه است ، که روانیست مسلمانان ایران تخلف
از فرمایش رسول اکرم کرده دست بالای دست گذارند ، دفاع
از مملکت اسلامی نمایند ، و قشوت اجانب را بخانه خود راه
دهند .

ای ملت ایران یکی از حکم و مصالح تقنین و تشریح رسول
اکرم احکام سبق و رمایه را ، و ترغیب و تخریص کردن آنحضرت
امت خود را بتعلیم و تعلیم کیفیات اسب و یاشتر دوان و تیر اندازی
و مباشرت کردن انجذاب بنفس نفیس خود این عمارا هبنا تحصیل

يك نظام ملی بوده در مملکت اسلام باین معنی که مقصود از عقل کل از تشریع این عمل این بوده که همه افراد امت در میدان مشق ملی حاضر شده اصول و فنون حرب را یاد گرفته و آزمایش نمایند ، و روح اینکار فی الحقیقه همانا حفظ بودن و زنده دار شدن همه آحاد مسلمانانست حقوق مدنی و نعمتهای سعادت و شرافت را که اگر وقتی کفار بخواهند سرموئ از حدود قوانین مقرر تجاوز کنند و متعرض حقوق مسلمانان شوند . فرار مسلمانان بالاتفاق دست بالات حرب و ادوات دفاعیه برده نگذارند حقوق خود را کفار شصب نموده ، و اگر بالضرر شصب کرده بایک قوه ملیه مستتر ندارند ، این است که فرمود (لاسبق الا فی خف او خافر او فصل) و از حضرت صادق (ع) هم همین طور روایت شده ، معنی آنکه پیشی گرفتن و غالب شدن و بالانکه چیزی که بدست آید و در دست آید در شریعت احدی روا نیست ، مگر در دوانیدن حیوانات سم شکافه چون شتر ، و یاسم نشکافه چون اسب و در تیر و نیزه ، حضرت صادق (ع) فرمودند (الرمی سهم من سهام الاسلام) یعنی تیراندازی کردن همانا از اسلام است ، و همچنین میفرماید (ان رسول الله (ص) قد اجری الخیل و سابق و کان یقول ان المملکه تحضر الرهاط فی الخلف و الخافر و الریش) بفارسی آنکه پیغمبر اکرم بنفس نفیس خود اسب دوانی

کرده و پیشی گرفته و میفرمود که فرشته گاه در وقت اسب و شتر دوانی و تیراندازی حاضر می شوند ، و همچنین فرمود (ان المملکه لتفر عند الرهاط و تلعن صاحبها ما خلا الخافر و الخف و الریش و التصل و قد سابق رسول الله اسامه بن زید و اجری الخیل) بفارسی آنکه فرشتگان در وقت گرو بستن در چیزیه تنفرو و دوری مینمایند و لغت میکنند گرو بندهارا مگر در وقت گرو بستن در اسب و شتر دوانی و تیراندازی ، و پیغمبر خدا با اسامه پسر زید مسابقه کرده و اسب دوانی فرموده ، و حضرت سجاد (ع) فرماید (ان رسول الله اجری الخیل و جعل فیها سبع اوافی من فضه و ان النبی (ص) اجری الابل مقبلة من تبوك فسبقته الضباء و علیها اسامه فجعل الناس یقولون سبق رسول الله و رسول الله یقول سبق اسامه) بفارسی آنکه پیغمبر خدا اسب دوانی کرده و گروگان را هفت و قیه نقره قرارداد (و قیه چهل دوم) و پیغمبر در وقت مراجعت از غزوه تبوك با اسامه شتر دوانی کرده در حالتیکه اسامه بر نایقه ضبباء پیغمبر سوار بوده و از حضرت رسول پیشی گرفته و مردم میگفتند که حضرت رسول پیشی گرفته و خود رسول اکرم میفرمودند که اسامه پیشی گرفته ، ای مسلمانان از این کردار پیغمبر ما (ص) ظاهرا میشود که از آداب احکام سابق و رمایه از وظایف بزرگ اسلام است

نتیجه عادت بر این عمل مقاومت ملت اسلام است بر ضد ظلم و تعدیات
 اجانب ، امروزه که کفار هجوم بر مملکت اسلامی آورده
 و هزار گونه اجحافات و تضییقات بر ملت ایران روا میدارند نادر
 برابر این هجیات و تعدیات مدافعه و زور نه بینند از این حرکات غیر
 قانونی خود دست نخواهند کشید ، و یکی از نیکوترین وسیله ها برای
 دفاع از هجیات کفار هانا نظام ملی است که جوانان مسلمانان را حاضر
 و مهیا از برای مشق ملی و تعلیم اصول و فنون حرب ساخته ،
 و صاحب نیروهای مملکت مساعیدت در تشکیل این امر مبارک نمایند
 تا این مطالب ذهنی اجانب شود که مر یک از مسلمانان حق مدافعه
 از آب و خاک اسلامی را دارند ، و مادامیکه نفوس خرد در مدافعه
 از اسلام فدا نمایند ، نخواهند گذاشت که احدی از کفار دست
 بمملکت آنها دراز کرده ، زنها و اطفال آنها را اسیر نماید ،
 نظام ملی است که مایه حیوة و روح مملکت است ، نظام ملی است
 که حافظ حقوق و باعث سعادت و شرافت و برکات است ، مملکتی
 که نظام ملی ندارد فی الحقیقه روح ندارد مملکتی که نظام ملی ندارد حقوق
 انعمی مملکت در زیر لگدهای ظلم و تعدی مضطرب و نابود می گردد ،
 مملکتی که نظام ملی ندارد ابواب ین و برکت از آن مملکت مقطوع است
 و امروزه اگر مسلمانان اعانت و همراهی در پیه لوازم قشون اسلامی

نمایند ، با قطع و الیقین جمیع ابواب سعادت و خیرات بروی آنها
 مسدود خواهد گردید ، خدا یتعالی لباس ذلت و فقر بآنها خواهد پوشانید
 چه آنکه پیغمبر اکرم فرماید (الخیر کله ین فی السیف و تحت ظل السیف
 و لا یقیم الناس الا السیف و السیوف مقاتلید الجنه) یعنی جمیع سعادت
 و خیرات در شمشیر است و تمام شرافتها در سایه مبارک شمشیر است
 و کار مردم را راست نیآورد مگر شمشیر و شمشیرها کلید بهشت اند
 و همچنین فرمود (لاجنه باب یقال له باب الجهاد ینمضون الیه
 فاذا هو مفتوح و هم متقلدون بسا و فهم و الجمع فی الموقف و الملائکه
 ترحب بهم ثم قال فن ترک الجهاد البسه الله عز و جل ذل و قرا فی
 معیشتهم و محتافی دینه ان الله عز و جل اغنی امتی بنباک خیلها و مراکز
 رماحها) یعنی برای بهشت دری است که نام آن در فدا کارانست
 و فدایان باشمشیرهای گه به گریسته اند بسوی بهشت نشاند و آن دراز برای
 آنها باز باشد در حالتیکه سایر مردم در اقامتگاه قیامت باشند ، و فرشته گان
 بآنها تواضع و فروتنی نمایند ، پس از آن فرمود هر کسی ترک جهاد
 کرد خدای قادر قادر لباس ذلت و فقر در دنیا بپوشاند ، و دین
 او را نابود کند تا در آخرت بپیر دین اسلام محسور شود
 هانا خدای تعالی امت مرا بسم ستوران و جایگاه نبره ها توان گر
 گردانید

ای گروه مسلمانان بشتابید بسوی متابعت فرمان الهی و احکام پیغمبر
آخر الزمان ، و دستور جج اسلام بخل و دنائت ، لئامت و اختلاف
دفع و حب دنیا ، جاه مآبی و خود پسندیرا بکناری گذارید ،
جود و شہامت و شجاعت و اتساق را پیشه کنید مہمای دفاع از
وطن اسلامی و استخلاص نفوس و اعراض خود از عبودیت کفر
شوید ، اندوخته هاییکہ از ہمین آب و خاک اسلامی تحصیل کرده اید
اگر برای این روز سیاه خود نثار نہ نمایند و برای دفع دشمنان
دین و مملکت خود مصرف نہ کنید ، پس برای چه امری کہ سخت
تر از محو مملکت اسلامی است اندوخته اید ؟

خدای فرماید (والذین یکذرون الذہب والفضہ ولا ینفقونہا فی
سبیل اللہ فبشرہم بعذاب الیم یوم یحیی علیہا فی نار جہنم فتکوی
بہا جیہہم وجنوبہم وظہورہم ہذا ما کنتنتم لانفسکم فذوقوا ما
کنتم تکتزون) بفارسی آنکہ کسانی کہ جمع الاوترہ کردہ و در
راہ خدا انفاق نہ نمایند ، ای پیغمبر اکرم خبردہ ایشان را بعذاب
دردناک ، روزی کہ ہمان طلا و نقرہ را در آتش جہنم گرم کردہ
پیشانی و پہلو و پشت انہارا داغ کنیم این ہمان چیزی است کہ
برای خود اندوخته اید پس بچشید اندوختہ خود را ،
ای زمرہ مسلمانان ، مادامی کہ مسلمین در سایہ مبارک اتحاد

دست بقضہ شمشیر حمایت از اسلام داشته و متعلق باخلاق اسلامی
بودند ، صیت سیادت و ابہت و شوکت اسلام گوش زد مملکت متوعہ
گردیدہ ، فوج فوج و گرہ گرہ مردم خود را بزیر سایہ اسلام
می کشیدند ، و بطوری رعب و ہیبت اسلام در قلوب مردم جای
گرفته بود کہ تا خود را تحت او ایے اسلام و در بنہا و ذمہ اسلام در
نہ آوردند می آسودہ کی نہ داشتند ، بسی مباحات و افتخار ہا مینمودند
کہ ما در کنف حفظ و حراست اسلام هستیم ، تمامت ملوک و گردن
گشان عالم جباریت و سطوت خود را در تحت سیطرہ و اقتدار اسلام
مندک و مضحل میدیدند ، ایدا جرئت جسارت نسبت بادن
مسلمان نہ داشتند خداوند عالم فرماید (وادعوا للہ ورسولہ ولا تنازعوا
فشیئہا و تذہب ریحکم واصبروا ان اللہ مع الصابرین) بفارسی آنکہ
ای گروه مؤمنین از خدا و رسولش فرمان برداری کنید با ہم دیگر
نزاع و اختلاف نکنید کہ صولت و قوت شما بواسطہ اختلاف نابود شود
و طریقہ تحمل و صبر را پیش گیرید کہ خدا ایتعالی معین صبر کنندہ گانست
ولی از وقتی کہ خائنین باسلام برای حب جاہ و طمع در زخارف
و حطام دنیا القاء خلاف و بقضاء بین مسلمانان کردہ ، و آتش
نفاق را دامن زدہ و مسلمانان دست از اخلاق حسنہ اسلامیہ برداشتنہ
ہمان طوریکہ خدا ایتعالی فرمودہ قوت و صولت اسلام نابود گردید

و همینکه نزاع داخلی و جنگ خانه کی در اسلامخانه پدیدار شد ، گرگان از کین گاه برآمده جسده مبارک و بن اسلامیرا قطعه قطعه کرده و عریک سهمی برای خود اتخاذ کرده ، فعلا بر اعراض و نفوس و اموال آنها فرمانروائی میکنند ، و بطوری غیرت و عصیت از مسلمین برداشته شده که گروه گروه خود را از تحت حمایت لوا اسلام خارج کرده ، با کمال شغف زیر لوا اجانب میروند تحت نازیانه کفر بودن را شرف خود میدانند . اف بر غیرت چنین مسلمانان و افسوس از اخلاق رزیه چنین مردمان ، خداوند عالم فرماید (یا ایها الذین آمنوا لاتخذوا الیهود و النصارى اولیاء ، بعضهم اولیاء بعض و من یؤلفهم فانه منهم ان الله لایهدی القوم الظالمین) خلاصه آنکه ای زمره مؤمنین ، یهود و نصاری را دوست خود نگیرید ، بعضی از آنها دوست بعض دیگر هستند ، و اگر کسی از شما دوست دار باشد از همت جماعت یهود و نصاری محسوب است ، خدای متعال قومی را که ظاهر کنند راهنمایی بر احق نخواهد فرمود

ای گروه مسلمانان شما تصور میکنید که معاهده و برادری که پیغمبر اکرم در سال اول هجرت بین اصحاب خود انداخته و حضرت امیر المؤمنین (علی) (ع) را برادر خود قرار داد ،

خالی از حکم و مصالح بوده حاشا . چنانکه پس از هجرت حضرت رسول (ص) از مکه بمدینه کم کم زمزمه اختلاف آمیزی بین مهاجرین و انصار افتاد ، مهاجرین می گفتند که مردم مدینه بسیار ضعیف و فقیر و زمین و انصار بوده بواسطه وجود مأمهات مهاجرین قوی گردیده اند ، انصار اظهار میکردند که مهاجرین از خوف و خشیه اهل مکه همیشه در خانه ها و کوه ها و بیابان ها مختفی بوده و هیچ قبیله بد برای آنها نبوده ، ما اهل مدینه آنها را بخانه های خود راه داده بناء و ملجأ از برای آنها شده ایم و نزدیک بود که نائرة اختلاف مشتعل گردد ، این بود که پیغمبر اکرم عهد اتحاد و عقد مواخات بین آنها اجراء کرده ، و بعضی را ضامن جریره بعضی دیگر قرار داد که با کلیه اختلاف مرتفع گردید ، و بواسطه همین معاهده و برادری بایکدیگر در معاونت و مواسات با هم هراسان سودها برده ، و نتیجه های لاتعد و لا تحصی گرفتند ، پس مسلمانان ایران را علاوه بر اتحاد و اتفاق با عهد دیگر لازم است قدم در دائرة اتحاد عمومی اسلامی گذارند ، یعنی امروزه که تناصر مختلفه اسلامیه از شرق و غرب کره ارض علاج این مرض مزمن و این ذلت و خوارت را در اتحاد مسلمین دانسته ، خاصه برادران عثمانی که امروزه دست یگانه کی و اتحاد بسوی شما ایرانیان دراز کرده ، بشتابید بسوی

برادران اسلامی دست یکانیکی واتحاد بدست آنها دهید ،
ای ایرانیان امروزه علماء بزرگ شما و پیشوایان شریعت حضرت
مختفی مرتبت بحکم قرآن کریم که فرماید (ایها المؤمنون اخوة
فاصله جوابین اخویکم) و جای دیگر فرماید (واعتصموا بحبل الله
جميعا ولا تفرقوا) و بمذلول کلام رسول اکرم (المؤمنون اخوة
المؤمن المؤمن مرآة المؤمن المؤمنون تتكافؤ دعاتهم وپی بنی
اند هم و هم ید علی من سواهم) شمارا باتحاد و اتفاق با عناصر مختلفه
اسلامیه که از مهم ترین وظایف اسلام است دعوت مینمایند ، استخفاف
بدین اسلام و بی اعتنائی با حکام رؤسا مذهب خود مینماید ، بشتایید
بسوی احیاء شما و الله ، تصحیل کنید بسوی مرضات الله ، چه
آنکه استخفاف بدین و بی مبالائی با حکام رسول اکرم ،
و بی اعتنائی بدعوت رؤسا ، مذهب موجب هلاک ابدی و اضمحلال
دائمی است ، بعضی از خائنین بمذهب اسلام این اتحاد و اخوت را
که اساس شوکت مسلمانان است در نظر عوام مسلمین بشکل بدی
جلوه داده که شاید بتواند عوام مردم را از فیض عمیم و فوز عظیم
این امر مقدس بی بهره و بی نصیب نمایند ، (یریدون لیقتلوا
نور الله بافواههم) ولی غافل اند از آنکه (و بای الله الان یتنوره)
هر که در سر چراغ دین افروخت * سبقت پف کنان خویش بسوخت

بنام میجویم بخدا از تسویلات نفس اماره و تدلیسات شیطان که بدرا نیک
و نیک و اید ، معروف را منکر ، منکر را معروف ، حق را باطل ،
باطل را بصورت حق جلوه دهد ، ای مسلمانان عالم ، عقلا
و علماء و پیشوایان مذهب هرگز نمی گویند که شما را از فروع اسلامی
دست بردارید ، و عمل مذهبی خود را کنار بگذارید ، پیروی
از فروع و اعمال مذهب دیگری نمایند حاشا حاشا ،
بلکه بصدا ی بلند میگویند (ایها المسلمون تعالوا الی کلمة سوا ،
یننا و بینکم) و دعوت میکنند شمارا بچیزی که همه اتفاق بر آن دارید
ان کلمة اتفاقية بین کلیة مسلمین کدام است ؟ صیانت دین اسلام
استحفاظ مصالح مسلمین ، دفاع از تعدیات کفار ، حفظ اعراض
و نوامیس مسلمین از تسلط اجاب ، اعلاء کلمة توحید
بدیهی است که این صیانت اسلام و مسلمین و اعلاء لواء توحید
حاصل نشود مگر با اتفاق واتحاد

ای مسلمانان جعفری مذهب علماء متقدمین از امامیه مانند شیخ
مفید و سید مرتضی قدس الله تعالی سرهما و امثال آنها چه زحمتها
در خصوص همین اتحاد و اتفاق عموم مسلمانان کشیده و حاضر
بودند که مقدار بسیاری از اموال خود را در همین اتحاد و اتفاق
صرف نمایند باین آرزوی بزرگ نرسیدند ، امروزه که عناصر مختلفه

اسلام دست اتحاد بسوی شایعیان دراز کرده ، وقت را غنیمت
شمرده ؟ این گوهر عظیم المثل را از دست ندهید
خداوند هر کسی که بخواند این امر محبوب خدا و رسول را در
نزد عوام مسلمین بصورت بد جاوه دهد و در مقام قتنه جوئی و القاء
خلاف بین مسلمانان برآید و از این کردار زشت خود باز
گشت و توبه ننماید محکوم عده صدق خود که فرموده (ان الذين
قتلوا المؤمنين والمؤمنات ثم يتوبوا فليس لهم عذاب جهنم و لكن المصير)
ان مقن و خان را مذهب بهذاب جهنم گردان ، و هر کسی که
بدعوت علما و پیشوایان دین عرق اسلامی او بخوش آمده ، توانی و
سهل انکاری را بکناری گذاشته و از صفات رزیا از قبیل حب جاه و مال
و خود ستائی و طمع در حطام دنیا دست کشیده برای تحصیل
رضای خدا و رسول اکرم و اوصیا ، ما عین دست برادری بسوی
مسلمانان عالم دراز می کند ، و خود را هم مقصد باعلاء مسلمین
مینماید در صیانت و استعفاظ اسلام و مساک مسلمین اجر عظیم و ثواب
جزیل عنایت فرما ، در باب کلام لازم است که برادران دینی را
بیک نکته که مناسب اتحاد و اتفاق است متذکر ساخته و از خیالات
کفر در باره ممال اسلام مسلمانان را آگاه نمایم بطر کبیر قبل از
دو قرن و اندی کم در یکی از فقرات وصیت خود میگوید ، تا میتوان

باید بطرف اسلام بول و بطرف هندوستان نزدیک شد و انجما را
تسخیر کرد چه مرکه در انجما فرما فرما گردد در حقیقت سلطان
سلاطین عالم خواهد بود و از این جهت گاهی با حکومت عثمانی و گاهی
با حکومت ایران در مقام عداوت و جنگ باید برآمد و در سواحل
بحر اسود باید کارخانه جات مخصوصا کارخانه کشتی سازی بنا کرد
و برای رسیدن به مقصود کم کم سواحل بحر اسود و بحر بالیک را باید
تسخیر کرد و هر چه زودتر انقراض و محو استقلال حکومت ایران را
فراهم باید نمود تا خلیج فارس بتصرف دولت روس در آید و تجارت
قدیم شرق را با بر الشام بحالت خود باید گذاشت و بطرف هندوستان
که مخزن جهان است باید پیش رفت و همینکه بدانجا رسیدیم دیگر
احتیاجات ما از انگلیس مرتفع خواهد گردید

ای مسلمانان بدیهی است مادامیکه ملت ایران ذره حس و غیرت
اسلامی در بدنشان نه باشد و قدر آب و خاک مقدس اسلامی را ندانند
ایمبه دشمن منهد آسایش او را از دستش خواهد گرفت مادامیکه
بن پروری و خوش گذران شمار ما باشد خود پرستی و کینه پروری
بخل و حسد سماجت و لثامت اخلاق ما باشد عاقبت کار ما این حال
ناگوار خواهد بود مادامیکه بقات ملت برخلاف قول خدا و رسول
پیشه نفاق و خلاف برداشته و پشه قومیت خود را قطع مینمایند

طریق مستقیم حق را گذاشته راه کج و پیچ در پیچ باطل را اختیار
 میکنند یقینا غولان و دیو سیربان جمیع قوی و حیثیات آنها را
 سلب کرده بخاک مذلت و هلاکتش خواهند انداخت . چنانکه از
 جهل و غفلت و بی حسی عمده قسمت شبه جزیره (بالکان) از تحت
 تسلط عثمانی خارج و بدست روسیان قطعه قطعه گردیده . و هر
 قطعه از قبیل رومانیای بلغار و صرب و قرقه طاغ و یونانستان
 به سلطنت استقلالی مبدل گردید . سواحل شمالی بحراسه از مستملکات
 روس جزیره قبرس تحت احتلال انگلیس جزیره کریک از فشار
 یونان تحت نظارت دولت ارجیه بوسنه و هر سگ نصیب دولت اتریش
 مصر سی سال است تحت احتلال انگلیس جزیره صقلیه ملحق بایتالیا
 الجزایر جزو مستملکات فرانسه تونس تحت حمایت فرانسه رفت .
 طرابلس غرب فعلا مطمع دولت ایتالیا و از دولت ایران
 قفقاز و صحراء و کن جزو مستملکات روس . بلوچستان از مستملکات
 انگلیس افغان تحت حمایت انگلیس دوامد . مستطوب و بحرین از اقتدار
 ایران خارج سایر ممالک اسلامی مقل هند که خزانه جهان است از
 مستملکات انگلیس جاوه که از جزایر اوقیانوسیه است متعلق به اندونیزیا
 مسلمانان جزایر (فیلیپین) دو تحت فشار کفار ان روی کرده (امریکائین)
 تبت . مطمع دولت انگلیس بخاری و خنوه پایمال روس شعان اسلامی